

باج راه آهن بلژیک به اتحادیه کارگری

کمیته هماهنگی

سه شنبه بیست هشتم آبان ۱۳۸۷

روزنامه های بلژیک در روزهای گذشته خبری را منتشر کردند که خشم توده های کارگر را برانگیخت. روز یکشنبه هفته پیش آقای Guido De Padt نماینده پارلمان بلژیک و عضو حزب لیبرال دموکرات این کشور با ارائه اسنادی محکم و متکی به تحقیقات و گزارشات مستند کافی در جلسه رسمی مجلس فاش کرد که بخش راه آهن اتحادیه سراسری کارگران بلژیک هر سال به صورت پنهانی ۸ میلیون یورو از شرکت راه آهن باج می گیرد تا در قبال آن خطر هر نوع اعتراض و جنب و جوش و مبارزه کارگران این بخش را از سر سرمایه و سرمایه داران رفع کند. اظهارات Guido De Padt به سرعت در رسانه های بلژیک منتشر شد. نه شرکت راه آهن و نه سران اتحادیه کارگری به رغم قدرت قاهر سرمایه بنیاد خویش قادر به کنترل خبر و جلوگیری از انتشار آن نشدند. پیش از هر چیز باید بر این نکته تأکید کنیم که Guido De Padt که این اسرار را افشا کرده است به هیچ روی منتقد این رسوایی و بن بند و بست مافیایی میان سرمایه داران و اتحادیه کارگری نیست. او به مثابه یکی از نمایندگان سرمایه داری بلژیک در نطق خود به روشنی توضیح می دهد که در بسیاری موارد انجام نوع این اقدامات برای حفظ امنیت و ثبات «جامعه»!! بسیار ضروری است. منظور آقای Guido De Padt از لفظ «جامعه» همان سرمایه و مناسبات بردگی مزدی است. او با این امر موافق است که در ازای تأمین و تضمین از همه لحاظ مطلوب امنیت سرمایه و جلوگیری از هر نوع جنب و جوش اعتراضی توده های کارگر به اتحادیه کارگری باج داده شود. انتقاد سرمایه پسند ایشان این است که مبلغ این باج به طور خاص در شرایط فعلی و در روزهای شدت بحران سرمایه داری «ظلمی» در حق سرمایه داران و تراست های عظیم سرمایه داری است!! به بیان دیگر Guido De Padt عمل کثیف و ضدکارگری اتحادیه کارگری در گرفتن باج از شرکت راه آهن برای سرکوب مبارزات کارگران را از صمیم قلب تقدیس می کند. اما بر سر مقدار این باج چانه می زند و معتقد است که اتحادیه باید در معامله خود با صاحبان سرمایه جانب انصاف را رعایت کند و به ویژه در شرایط کنونی بحران در قبال رسالت سترگی که برای حفظ امنیت سرمایه و دفاع از نظام سرمایه داری دارد نرخ مزدوری خود را اندکی کمتر کند. بخش آخر نطق Guido De Padt حول این محور دورزده است که قرارداد افتخارآمیز باج گیری و باج دهی میان تراست سرمایه داری «راشی» و اتحادیه کارگری «مرتشی» از دیرباز وجود داشته و به صورت یک سنت پرارج جنبش اتحادیه ای به بوته اجرا گذاشته می شده است. او بر این نکته تأکید می کند تا به همگان ثابت نماید که اصلاً مخالف این سنت نیست. سال ها با آن آشنا بوده و هیچ نیازی به افشای آن احساس نمی کرده است. اما در حال حاضر با شرایط مشخص برخورد مشخص می کند و در درون این شرایط است که نیاز به افشای این راز می بیند.

گزارش Guido De Padt به پارلمان موجی از خشم و نارضایتی و نفرت را در میان کارگران بلژیک و کارگران سایر جاها نسبت به بند و بست مافیایی میان اتحادیه کارگری و کارفرمایان دامن زد. این خشم و نفرت البته برحق است. اما در اندرون خود دنیای وسیعی از توهم و ناآگاهی طبقاتی توده های کارگر را به نمایش می نهد. کارگران نسبت به فروش جنبش خود توسط اتحادیه کارگری به صاحبان سرمایه در قبال ۸ میلیون یورو واکنش نشان می دهند، اما این واکنش در همان حال حدیث تلخ بی

توجهی دیرباز و تاریخی آنان نسبت به نقش و مکان و جایگاه واقعی اتحادیه ها و جنبش اتحادیه ای در عرصه مصاف میان طبقه آنان و نظام سرمایه داری نیز هست. این امر که اتحادیه کارگری در ازای گرفتن مقدار معینی رشوه هر جنب و جوش کارگران را علیه سرمایه خفه کند بسیار زشت و کثیف و ضدکارگری است. اما متأسفانه بسیاری از کارگران نمی دانند که اتحادیه ها وجود دارند تا مجریان مصمم و مزدور همین نقش زشت و کثیف و ضدکارگری باشند. گرفتن رشوه در این میان مقوله ای فرعی است و در مدار درایت آگاهانه طبقاتی و شناخت رادیکال کارگر از سرمایه و موضوعیت جنبش اتحادیه ای نباید پدیده عجیبی تلقی شود. سردمداران اتحادیه کارگری راه آهن ۸ میلیون یورو باج گرفته اند تا از شکل گیری و وقوع مبارزات کارگران علیه سرمایه جلو گیرند. انجام این کار فلسفه وجودی جنبش اتحادیه ای است. اتحادیه ها تاریخاً این کار را انجام داده اند و حق السهم مزدوری خود را نه فقط در قالب رشوه های کوچک ۸ میلیونی بلکه با شراکت مستقیم در مالکیت کل سرمایه اجتماعی هر کشور یا کل سرمایه جهانی دریافت کرده اند. کدام اتحادیه بزرگ کارگری در کدام کشور را می شناسید که در مالکیت تراست های عظیم صنعتی و مالی، در مالکیت سیستم بانکی، در سرمایه های گذاری انبوه این تراست ها در سطح جهانی شریک نباشد؟ کدام اتحادیه «معتبر» مهم را در کدام نقطه دنیای غرب یا شرق سراغ دارید که زعمای آن عضو مؤثر هیأت رئیسه یک یا چند انحصار عظیم صنعتی و مالی نباشند؟ بخش وسیعی از جوانان کم سن و سال اروپای غربی به ویژه کشورهای اسکانديناوی رسوایی کارتل عظیم بین المللی تولید لباس موسوم به Hennes & Moris را در چند سال پیش به خاطر دارند. این تراست در تمامی کشورهای آسیای جنوب شرقی از فیلیپین تا سنگاپور و اندونزی و جاهای دیگر دختران ۶ ساله رنجور را با دستمزد روزی چند سنت در سیاهچال های مرگبار تولید لباس استثمار می کرد. جنایتی که بی تردید امروز نیز به صورت وسیع صورت می گیرد. گزارش این ماجرا و انتشار صحنه های هولناک و فجیع استثمار دختران خردسال، در کشورهای اروپایی و به طور اخص اسکانديناوی موجی از نفرت و خشم را در میان همگان و بیش از همه کودکان این کشورها دامن زد. ابعاد رسوایی تا آن جا بسط یافت که بچه های مهد کودک کشورها یا دانش آموزان خردسال مدارس ابتدایی دائم مارک لباس همسالان خویش را با دقت کنجکوی می کردند تا اگر نشان شرکت Hennes & Moris را در جایی از آن به چشم ببینند جنایات کارتل مذکور را برای دوست خود افشا کنند. تراست بین المللی تهیه لباس Hennes & Moris چنین جنایتی می کرد و می کند و چه خوب است اگر همه کارگران دنیا بدانند که حدود ۱۰٪ سرمایه های این شرکت متعلق به اتحادیه سراسری کارگران سوئد این مظهر و معرف عالی ترین سطح سازمان یافتگی اتحادیه ای کارگران در دنیا است. این اتحادیه تنها نهاد سراسری سندیکالیستی در جهان است که در چند سال قبل بیش از ۹۵٪ کارگران کشور را به دار خود و از این طریق به دار سرمایه آویزان ساخته بود.

اگر اتحادیه های کارگری این گونه هستند – که مطمئناً جز این نیستند – اگر عظیم ترین اتحادیه های کارگری درون دنیای سرمایه داری در عین حال شریک مستقیم عظیم ترین بنگاه های سرمایه داری جهانی نیز هستند، اگر اتحادیه ها تاریخاً وجود داشته اند تا هر نوع مبارزه ضد سرمایه داری طبقه کارگر را یکرست در گورستان سازش با نظام بردگی مزدی دفن کنند، اگر کار اتحادیه ها این بوده و این است که با مشاهده کمترین رد پای جنبش رادیکال سرمایه ستیز کارگران بلافاصله کلوب های سازمانی خود را به شبکه های اختاپوسی پلیسی و همکاری با پلیس علیه کارگران تبدیل کنند، اگر اتحادیه های کارگری موجوداتی از این دست هستند در این صورت خبر باج گیری سران اتحادیه کارگری راه آهن بلژیک در قبال سرکوب مبارزات کارگران چیز تازه ای به ما نمی گوید. باز هم تاکید می کنیم که میزان زشتی و شناعة این کار بیش از حد و نفرت کارگران از آن نیز امری بحق است. اما نکته بسیار اساسی آن است که فاجعه اتحادیه های کارگری و جایگاه ضدکارگری آن ها علیه جنبش

ضد سرمایه داری طبقه کارگر را نباید در نوع این وقایع و رسوایی ها خلاصه کنیم. نقش سران اتحادیه ها در دفاع از نظام سرمایه داری و برنامه ریزی نظم تولیدی و مدنی و اجتماعی مناسبات بردگی مزدی دست کمی از نقش دینفونترین حاکمان سرمایه جهانی ندارد. منافعی که آن ها در وجود و بقای نظام سرمایه داری دارند نیز از منافع حاکمان سرمایه محدودتر نیست.

در همین جا فرصت را مغتنم می شماریم تا به نکته دیگری نیز در همین رابطه معین اشاره کنیم. بسیاری از فرمیست های سندیکالیست به محض طرح بحث انحطاط ضد کارگری جنبش اتحادیه ای بلافاصله شروع به موعظه می کنند که اتحادیه ها در ذات خود عیبی ندارند، هر عیب که هست از چند عنصر بالانشین اتحادیه است!! این حرف چیزی جز یک دروغ آشکار نیست. اتحادیه کارگری در همه جا بخشی از ساختار مدنی و اجتماعی سرمایه داری است. در درون اتحادیه جمعیتی به صورت یک قشر اجتماعی معین که عهده دار برنامه ریزی و سیاست گذاری و اجرای وسیع سیاست ها، برنامه ها، طرح ها و کل نقش اتحادیه است به عنوان بخشی از طبقه سرمایه دار جامعه و در چهارچوب سلسله مراتب مالکیت سرمایه اجتماعی سهم معین بسیار بالا یا دست کم مطلوبی را از استثمار کل توده های کارگر جهان به خود اختصاص می دهند. وظیفه این قشر در گستره تقسیم کار جاری درون نظام بردگی مزدی تحمیل بختک سندیکالیسم بر مبارزات ضد سرمایه داری طبقه کارگر است. آنان این نقش را با قدرت تمام ایفا می کنند. اتحادیه ها مطلقاً جای ابراز حیات توده های کارگر نبوده و نیستند. کارگران هیچ حضوری در این داریست سرمایه دارانه ندارند و رابطه آن ها با ساختار نظم و برنامه ریزی و مدیریت و امور اجرایی اتحادیه درست از نوع همان روابطی است که در درون جامعه سرمایه داری با سایر نهادها و کل روبنای اجتماعی رابطه خرید و فروش نیروی کار دارند.

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۲۸ آبان ۸۷

www.hamaahangi.com

hamaahangi@gmail.com